زبان عربی

**** عَیِّن الأنسب فی الجواب للترجمة أو المفهوم من أو إلی العربیة:**

۱- «إنّ الإنسان لفی خسر إلّا الّذین آمنوا و عملوا الصّالحات!»:

۱) بی‌گمان آدمی در زیان است، جز آنانی که ایمان بیاورند و کار نیک انجام بدهند!

۲) همانا انسان دستخوش خسران و زیان است، جز کسانی که ایمان می‌آورند و کار نیک می‌کنند!

۳) انسان در زیان است، جز کسانی که ایمان آورده‌اند و کار نیک انجام داده‌اند!

۴) آدمی در خسران است، به جز کسانی که ایمان آوردند و کارهای نیک انجام دادند!

۲- «إذا وجدت کتاباً یزید معرفتک فی الحیاة کان جدیراً بالعنایة و التّقدیر!»:

۱) هرگاه کتابی را یافتی که شناخت تو با آن در زندگی زیاد شود، شایسته عنایت و تقدیر بوده است!

۲) اگر در زندگی‌ات، کتابی را پیدا کردی که شناخت تو را زیاد کند، شایسته توجه و تقدیر است!

۳) چنان‌چه کتابی بیابی که معرفت تو را در زندگی زیاد گرداند، گویی آن شایسته عنایت و تقدیر می‌باشد!

۴) اگر کتابی را یافتی که شناخت تو را در زندگی زیاد کند، شایسته توجه و تقدیر می‌باشد!

۳- «کانَت شیمل مستشرقة مشهورة و کانت تقدرُ علی أن تَقرأ الأدعیةَ باللّغةِ العربیّةِ دون أن تُراجِعَ إلی تَرجمتِها!»: شیمل .....

۱) که یک شرق‌شناس معروف بود، قادر بود بی‌آن‌که به ترجمه دعاها رجوع کند، آن‌ها را به زبان عربی بخواند!

۲) خاورشناس مشهور می‌توانست دعاها را به زبان عربی بخواند، بدون این‌که به ترجمه آن‌ها مراجعه کند!

۳) شرق‌شناس مشهوری بود که می‌توانست بدون مراجعه کردن به ترجمه دعاهای عربی، آن‌ها را بخواند!

۴) خاورشناس معروفی بود و می‌توانست دعاها را به زبان عربی بخواند بدون این‌که به ترجمه آن‌ها مراجعه کند!

۴- «لِنُحاوِل لِمَدّ جُسورِ الصّداقةِ بینَ البُلدانِ لأنّ الحِوار یُعَدُّ شَکلاً مِن أشکالِ الحَضارة!»:

۱) برای این‌که پل‌های دوستی بین کشورها گسترش یابد، تلاش می‌کنیم، زیرا گفت‌وگو یک شکل از اشکال تمدن است!

۲) باید برای امتداد پل دوستی بین کشورها، تلاش نماییم، چون که گفت‌وگو شکلی از اشکال تمدن شمرده می‌شود!

۳) برای گسترش پل‌های دوستی میان کشورها باید بکوشیم، زیرا گفت‌وگو کردن یک شکل از شکل‌های تمدن به حساب می‌آید!

۴) برای این‌که پل‌های دوستی میان کشورها را بگسترانیم، باید تلاش کنیم، زیرا آن یکی از اشکال تمدن به حساب می‌آید!

۵- «إقرأ ما تُحِبّ من الکتب إذا لدیک فِکرٌ قادرٌ تَستَطیعُ به أن تَفهَمَ ما تَقرَأ!»:

۱) اگر فکری داری که می‌تواند آن‌چه می‌خواند بفهمد، هر کتابی را که دوست داری بخوان!

۲) کتاب‌هایی را که دوست می‌داری بخوان، وقتی برای تو اندیشه‌ای توانا است که می‌توانی چیزی را بخوانی و بفهمی!

۳) اگر اندیشه‌ای توانا داری که می‌توانی با آن چیزی را که می‌خوانی بفهمی، آن‌چه از کتاب‌ها دوست داری بخوان!

۴) کتاب‌هایی را که دوست داری بخوان چنان‌چه فکری داشتی که قادر بود آن‌چه را می‌خواند بفهمد!

۶- «خافَ هِشامٌ مِن أن یَعرِفَ أهلُ الشّامِ الإمام و یرغَبوا فیه فأنکر معرفته!»: هشام از .....

۱) ترس این‌که اهل شام امام را بشناسند و به او علاقه‌مند شوند، منکر شناخت او گردید!

۲) این‌که اهالی شام امام را بشناسند و به او علاقه‌مند شوند، آن‌ها را ترساند، و منکر شناخت او شد!

۳) این‌که اهل شام امام را بشناسند و به او علاقه‌مند گردند، ترسید، پس شناختش را انکار کرد!

۴) این‌که اهل شام امام را بشناسند و به او علاقه‌مند شوند، ترسیده بود، پس شناختن او را انکار کرد!

۷- «هذا الّذی تَعرفُ البطحاءُ وطأتَه و البَیتُ یَعرفُه و الحِلّ و الحَرَمُ!»: این .....

۱) شخص همان است که سرزمین بطحاء جای گام‌هایش را می‌شناسند و خانه خدا و حل و حرم در شناسایی‌اش همدم و هم‌قدم‌اند!

۲) آن کسی است که بطحاء گامش را می‌شناسد و خانه و بیرون و درون حرم نیز این را می‌دانند!

۳) آن است کسی که بطحاء او را از جای پایش شناسد و کعبه و بیرون و داخل حرم نیز او را شناخته‌اند!

۴) کسی است که بطحاء جای پایش را می‌شناسد و کعبه و بیرون و درون حرم او را می‌شناسند!

۸- عَیِّن الخطأ:

۱) من هذا الّذی یَسمَحُ النّاسُ له باستلامِ الحَجرِ: این کیست که مردم به او اجازه مسح سنگ را می‌دهند؟

۲) هذا ابنی یَکادُ یَکونُ شاعِراً عظیماً: نزدیک است که این پسر من شاعری بزرگ شود!

۳) قد أنشدَ الفرزدقُ هذهِ القصیدةَ فی السّنواتِ الأخیرةِ مِن عُمره: فرزدق این قصیده را در سال‌های اخیر از عمرش سروده است!

۴) رَحَلَ الشّاعر إلی الشّام و نالَ جوائزَ بعد مدحِ الملوک: شاعر به سوی شام کوچ کرد و پس از مدح پادشاهان جوایزی گرفت!

۹- عَیِّن الخطأ:

۱) لَن أُغنیَ عن التّجاربِ إلّا بقراءة الکتاب: فقط با خواندن کتاب از تجربه‌ها بی‌نیاز خواهم شد!

۲) لم أجِد عملاً أمتَع من المُحاولة فی هذه الظّروف: در این شرایط، کاری لذت‌بخش‌تر از تلاش نیافتم!

۳) لم أکُن أظنّ أنّ سعرَ العنب یرخصُ هذا الشّهر: گمان نمی‌کردم که قیمت انگور این ماه ارزان شود!

۴) هُناکَ طائرٌ یبنی عُشّه فوق الجبال المرتفعة: پرنده‌ای وجود دارد که لانه‌اش را بالای کوه‌هایی بلند می‌سازد!

۱۰- للتّعریب: «چه بسا کتابی که خواننده آن را مطالعه کند و به شدت تحت تأثیر آن قرار گیرد!»:

۱) ربّ کتابٍ یطالعه القارئ و یتأثّر به بشدّةٍ!
۲) ربّ کتابٍ یقرأه القارئ و یؤثّر به کثیراً!
۳) لعلّ القرّاء یقرأ کتاباً فیتأثّر به!
۴) ربّ قارئ کان یقرأ کتاباً و یتأثّر به بشدّةٍ!

**** اقرأ النّصّ التّالی ثمّ أجب عن الأسئلة بما یناسب النّصّ:**

الإنسان المثالیّ الّذی یَسعی للمجد هو الإنسان الّذی ینظر إلی العالَم کساحة لا یُری فیها إلّا الحرکة و النشاط، حیث إنّ الرخوة و السّکون یُساویان الموت! و کذلک إنّ کلّ من فی الوجود إذا أراد النّصرَ و الظّفر مُلزم بمواجهة العالَم کمجموعة فیها نزول و صعود لا حیلة منهما و لا یُمکن اختیار أحدهما دون الآخر!

فإنّ المصاعب الّتی تقع فی سبیل الطّالب ـ علی سبیل المثال ـ هی الّتی تقع قلیلاً أو کثیراً أو مشابهاً فی سبیل الأخرین. فمن کانت نفسُه مُتَّسعة تقبل الحیاة بما فیها من دون ضجر، ولکن من کانت الحیاة بما فیها من دون ضجر، ولکن من کانت الحیاة أکبر منه و الّذی صغَّر شأنَ نفسه فالحیاة تتغلّب علیه، فحینئذٍ یعیش هذا الإنسانُ مأیوساً یلعن الآخرین بحُجّة أنّهم لم یکونوا فی سبیل قضاء حوائجه!

۱۱- عَیِّن الصحیح:

۱) الحیاة تواجه أبناء البشر مواجهة متشابهة!
۲) مقدار المصاعب یتساوی فی جمیع أبناء البشر!
۳) الرّخوة و النّزول و الصعود ممّا لا حیلة منها أبداً!
۴) المأیوس یعیش و هو یفکّر فی قضاء حوائج الآخرین!

۱۲- عَیِّن الصحیح:

۱) إنّ النّزول و الصّعود من أسباب الإنسان المثالیّ للوصول إلی المجد!
۲) من کانت نفسه متّسعة فلا یری المصاعب إلّا فی طریقه فقط!
۳) لا مصاعب إلّا فی طریق الإنسان المأیوس!
۴) لا یشعر بالسّوء مَن یقبل الحیاة بما فیها!

۱۳- من هو الإنسان الّذی مرافقُه النّصرُ و الظفر؟ عَیِّن الخطأ:

۱) من تتغلّب الحیاة علیه!
۲) من لا یری الحیاة بوجه واحد فقط!
۳) من لا یفکّر فقط بوقوع ما یحبّه!
۴) من یری أنّ النشاط هو من السّنن الإلهیّة!

۱۴- عَیِّن ما هو الأنسب للعبارة التالیة:

«إنّ المصاعب الّتی تقع فی سبیل الطّالب هی الّتی تقع فی سبیل الآخرین.»

۱) النّجاح وقفٌ علی من لا ینام!
۲) لعلّ العُسر یُصبح یُسراً فی الغد!
۳) الدّهر یومان یوم لک و یوم علیک!
۴) الدّنیا محفوفة بالبلایا! (محفوفة: مستورة)

**** عین الخطأ فی الإعراب و التحلیل الصرفیّ:**

۱۵- «کانت»:

۱) فعل ماضٍ ـ للمفرد المؤنث الغائب / من الأفعال الناقصة، بمعنی «بود»
۲) فعل ماضٍ ـ للمفرد المؤنث / فعلٌ من الأفعال الناقصة، و الجملة جواب شرط
۳) ماضٍ ـ للمفرد ـ حروفه الأصلیة ثلاثة / فعلٌ من الأفعال الناقصة، بمعنی «بود»
۴) ماضٍ ـ للمؤنث ـ له ثلاثة حروف أصلیة / من الأفعال الناقصة، و الجملة شرطیة

۱۶- «صغَّر»:

۱) ماضٍ ـ للمفرد الغائب ـ له حرف واحد زائد ـ معلوم / فعلٌ و مفعوله «شأن»
۲) ماضٍ ـ للمفرد المذکّر الغائب ـ مصدره علی وزن تفعیل ـ معلوم / فعلٌ و مع فاعله جملة فعلیة
۳) فعل ماضٍ ـ له حرف زائد و مصدره «تصغیر» علی وزن تفعیل / فعلٌ و فاعل، و الجملة فعلیة
۴) فعل ماضٍ ـ له حرف واحد زائد، و مصدره علی وزن «تفعّل» / فعل و فاعل، و الجملة فعالیة

۱۷- «الطالب»:

۱) مفرد مذکر ـ اسم فاعل (فعله: طلب) ـ معرّف بأل / مضافإلیه للمضاف «سبیل»
۲) اسم ـ مفرد مذکر ـ اسم فاعل (فعله: طلب، و مصدره: مطالبة) / مضافإلیه
۳) مفرد مذکر ـ اسم فاعل (فعله «طلب» بدون حرف زائد) ـ معرّف بأل
۴) اسم ـ مفرد ـ اسم فاعل (من فعل «طلب» و اسم مفعوله: مطلوب)

۱۸- عَیِّن الصّحیح فی ضبط حرکات الکلمات:

۱) ربّ کتابٍ تَجتَهَدُ فی قراءتِه ثمَّ لا تَحصُلُ علی فائدة منه!
۲) لا شَکَّ فی أنّ الکُتبَ تَجارُبُ آلافِ العُلماءِ علی مَرِّ السِّنینِ!
۳) کان المُفکِّر المصریّ عقّاد یَعتَقِدُ أنّ الجمالَ جمالٌ الحُرّیةِ!
۴) حَلَّ الطلّابُ جمیعَ مسائلِ الرّیاضیّاتِ فی الصفِّ إلّا مسألةً!

**** عَیِّن المناسب للجواب عن الأسئلة التّالیة رقم:**

۱۹- عَیِّن الخطأ فی التّوضیحاتِ التّالیةِ:

۱) الثّانویّة: مَرحلةٌ بعد الابتدائیّة!
۲) رأی: فکرةٌ تَخطُر بذهنِ الإنسانِ بَغتَةً!
۳) الواثِق: الّذی یتّکئ علی الآخرین!
۴) الصُّحُفی: مَن یکتُبُ المَقالاتِ فی الصُّحُفِ!

۲۰- عيّن الصحيح فی ترادُف الجملات:

۱) كلّ شيءٍ يفنى ولكنّ وجه الله يبقى: كلّ شيءٍ هالكٌ الّا وجه الله!

۲) حضر كلّ التلاميذ فی صالة الامتحان الّا محمّداً: فقط محمّدٌ حضر فی صالة الامتحان!

۳) ما اجابَ سؤالَ المعلّم الّا عليٌّ: ما اجاب عليٌّ سوال المعلّم!

۴) يعمل العمّال اليوم الّا واحداً منهم: انّما يعمل واحدٌ من العمّال اليوم!

۲۱- عَيِّن «اللام» مختلفة عن البقيّة:

۱) جلس الضّيوف الأعزّاء حول المائدة لِتناول الطّعام اللّذيذ!

۲) جاءت العالمة لتقدّم إلى تلميذات المدرسة مَواعظ نافعة!

۳) توكّل المؤمن على ربّه لِتحمّل مَصائب الحياة بسهولة!

۴) سافر صديقی إلى رَشت للتّعامل مع أحد التّجّار المَعروفين!

۲۲- عَيِّن ما لا يعادل المضارع الالتزامی:

۱) إن تُحاولوا كَثيراً تَصلوا إلى أهدافكم العالية فی الحياة!

۲) على تلاميذ الصّفّ ألّا يَسبقوا مُعلّمهم بالكَلام!

۳) ليعرفِ الحاكم أنّ الرّعية إذا قدرت أن تقول قدرت أن تفعل!

۴) إنّ هؤلاء الطّلّاب بَدؤوا يلعبون فی زاوية مِن السّاحة!

۲۳- عَيِّن ما فيه النّهی عن القيام بالعمل:

۱) لِنُساعد مُحتاجينَ لا قدرة لَهم على دفع نفقات أسرتهم!

۲) على عباد الله المؤمنينَ أن لا يتكبّروا سائر النّاس!

۳) لا تكتبن شَيئاً على شَجرة مُعمّرة تَجذب السّيّاح رجاء!

۴) لِماذا لا تذهبن إلى المكتبة لِمُطالعة دروسكنّ!

۲۴- عَيِّن المضارع فی المَعنى ماضياً:

۱) لَم يَنصرْنی أحدٌ فی كتابة تمارين طلب المعلّم حلّها مِنّا!

۲) لا يكذبِ المؤمن على الآخرين لِأنّ الكذب مفتاح كلّ شرّ!

۳) لِنَستَمِعْ إلى مواعظ العالمة القيّمة جيّداً للنّجاح فی أمورنا!

۴) لا تَغضب على إخوانک المُسلمين أبداً فَإنّ الغضبَ مَفسدةٌ!

۲۵- عَيِّن ما ليس فيه المعادلُ للمضارع الالتزاميّ الفارسی:

۱) يُحذِّر الشرطیُّ الماسافرين ألّا يقتربوا مِن الأماكن الخطرة!

۲) يا أصدقاء! يجب أن تكونوا من المتوكلين حتّى لا تيأسوا!

۳) يا أيّها الأطفال؛ لا تَقربوا من هذه الحفرة لانّها خطرة!

۴) يجتمع التلاميذُ مع معلّميهم يوميّاً ليتعلّموا العلم!